



# آشپزی بدون مایکروفر آخرین مدل

گزارشی از سبک زندگی اقتصادی در آلمان

نویید جعفر نژاد

## تذکر از طرف هم‌ردیف

بزرگترین مشخصه‌ای که از آلمانی‌ها می‌شناسم قانونمندی است. مثال کوچکش خودم که همان ابتدا به عنوان دانشجوی خارجی رفتم پیش استاد. دانشگاه محل‌هایی را برای زندگی دانشجویان ارائه کرده بود. با اینکه من دانشجوی محسوب می‌شدم و خیلی دوست داشت حمایت کند بدون هیچ تعارفی گفت تاجایی که قانونی است حمایت می‌کنم و نامه می‌نویسم. ولی فراتر از آن ممکن نیست. همین مسئله در سیستم مالیاتی آن‌جا هم است. آلمان سیستم مالیاتی نسبتاً پیچیده‌ای دارد. بنابراین من به شخصه نمی‌توانستم کارهای مالیاتی را خودم انجام دهم و وکیل کارهای مالیاتی‌ام را انجام می‌داد. در فضای کار هم، یا هیچ کس شوخی ندارند. یعنی شما اگر کارت را درست انجام ندهی بلافاصله با تذکر مستقیم مواجه می‌شوی. این تذکر ممکن است از طرف بالادستی‌ات باشد یا حتی کارمندان هم‌ردیف خودت.

## یک کلاس دو کلاسی!

سیستم آموزش و پرورش آلمان مثل ما فنی و حرفه‌ای، کار دانش و دبیرستان دارد. در این سیستم خود مدرسه انتخاب می‌کند که بچه‌ها کجا باید ادامه تحصیل بدهند و اگر پدر و مادری اعتراضی داشته باشند بیان می‌کنند. جالب این‌جاست که آن‌ها خیلی حساسیتی ندارند که بچه‌هاشان را کجا بگذارند. چون آن‌جا این حس که مثلاً اگر در فلان رشته ادامه تحصیل دهد آدمی برتر است وجود ندارد. هدف‌شان دانشگاه و مدرک نیست. به دنبال حرفه‌ای‌اند تا در آن متخصص بشوند. یکی از دوستانم می‌گفت: من رفتم بچه‌ام را کلاس اول ثبت نام کردم. یک پسر می‌باشد هم با مادرش آمده بود که می‌دانستم یک کلاس بالاتر است. داستان را که پرسیدم گفت: معلمش گفته بهتر است او یک مرتبه دیگر کلاس اول را بخواند! حالا شما تصور کن معلمی در ایران به خانواده دانش‌آموزی چنین حرفی بزند. واقعاً حساسیتی نسبت به این موارد در آن‌جا نیست. چون قرار است او با یک مهارت، نان خودش را در بیاورد. تفاخری هم وجود ندارد. افراد هر چه هستند برای خودشان هستند.

## به اندازه مشت آب بردار

در آلمان هر کس به اندازه خودش زندگی می‌کند. یعنی اگر من حقوقم فلان قدر است، برایم معلوم است که یک مقدار از آن را می‌توانم برای خانه بدهم که مثلاً در حد اجاره یک خانه می‌شود و با این حساب دیگر نمی‌روم خانه بزرگ بگیرم، چشم و هم چشمی هم معنا ندارد. کسی که کار و حقوق مشخص دارد نمی‌رود روش‌های زیر آبی بزند تا وضعیت ظاهری زندگی‌اش را بهبود بخشد. ما تصورمان این است که در کشوری مثل آلمان اگر وارد خانه‌ای بشوی همه چیز باید برقی باشد. مثلاً حرف که می‌زنید کولر روشن شود! در حالی که هنوز در خیلی از خانه‌ها آیفون تصویری هم نیست. سیستم‌شان این است که این آیفون تا زمانی که کار می‌کند دستش نمی‌زنند. اصولاً در نگهداری وسایل آدم‌های خوبی هستند. بعضی وقت‌ها شاید اعصاب ما‌ها خرد شود از دست‌شان. حتی بعضی وقت‌ها که جنسی خراب می‌شود و نمی‌خواهند، همان را می‌فروشند. در آلمان جنس دست دوم را خیلی راحت می‌توانی بفروشی. حتی به عنوان دست سوم هم می‌فروشند!

## بالای شهر، پایین شهر

من در آلمان توی دو تا شهر زندگی می‌کردم. به عنوان یک ناظر خارجی در این دو شهر متوجه نمی‌شدم که بالا و پایین شهر کجاست. و اینکه اینجا جای بهتری است برای زندگی کردن یا آنجا. پدر خانم در آلمان، شب از پنجره بیرون را نگاه می‌کرد و می‌گفت انگار کسی اینجا زندگی نمی‌کند. چون همه جا خاموش بود. البته یک دلیلش این است که آنجا واقعاً انرژی گران است. یک دلیلش هم این که اصلاً احتیاجی نیست به مصرف زیاد. وسایل منزل‌شان را هم واقعاً کار بردی می‌خرند. اگر احتیاج دارند تهیه می‌کنند. یک نمونه‌اش مایکروفر. در آن‌جا آخرین مدل‌های آن تولید می‌شود. ولی در آلمان ندیدم کسی که یک مایکروفر آنچنانی داشته باشد. اما شمارد مشهده به خانه هر کس که بروید آخرین مدلش هست. ما خوره مصرف داریم. به خاطر همین روحیه حرص و طمع هم حاضریم گاهی قانون را دور بزنیم.

وقتی با مصطفی خسرو نژاد که چند سالی برای تحصیل در مقطع دکترای طراحی مکانیک در آلمان ساکن بوده صحبت می‌کنی و از مصرف ناظر به نیاز واقعی در زندگی آلمانی‌ها می‌شنوی. یک بار یادت می‌آید از مصرف ناظر به نیاز کاذب بعضی هموطنان. همان‌که مجبورشان می‌کند ماه به ماه موبایل، پرده خانه، سرویس میل و خیلی چیزهای دیگر زندگی‌شان را عوض کنند.

در آلمان هر کس به اندازه خودش زندگی می‌کند. ما تصورمان این است که در کشوری مثل آلمان اگر وارد خانه‌ای بشوی همه چیز باید برقی باشد. مثلاً حرف که می‌زنید کولر روشن شود!